

بحثی در زمینه نفع بیمه‌ای

(insurable interest)

● دکتر محمد هوشنگی

اشاره :

یکی از موضوعاتی که در معاملات بیمه می‌توان گفت از ابتدای شروع این معاملات مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یک اصل شرط صحت عقد بیمه تلقی شده موضوع نفع بیمه‌ای است که چکیده آن این است که بیمه‌گزار باید در بقاء مال بیمه شده ذینفع باشد .

در این مقاله سعی می‌کنیم موضوع نفع بیمه‌ای را تشریح کرده، علت پذیرش آن را به عنوان شرط صحت عقد بیمه ذکر نموده و به دنبال آن تبعات این اصل را در بیمه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهیم . به این ترتیب مطالبی که به دنبال خواهد آمد به شرح زیر می‌باشد :

۱- تعریف نفع بیمه‌ای

منظور از نفع بیمه‌ای که به انگلیسی insurable interest گفته می‌شود این

است، شخصی که مالی را بیمه می‌کند و به عنوان بیمه‌گزار طرف قرارداد قرار می‌گیرد باید نسبت به آن مال دارای آن‌چنان علاقه‌ای باشد که اگر آسیبی به آن مال وارد شود آن شخص به طور مستقیم یا غیرمستقیم متضرر گردد . مثلاً شخصی که مالک یک خودرو می‌باشد در رابطه با بیمه آن خودرو دارای نفع بیمه‌ای است، زیرا اگر آن خودرو دچار حادثه شده و یا به سرقت رود صاحب خودرو متضرر می‌شود و لذا این شخص می‌تواند آن خودرو را بیمه کند که در چنین حالتی در صورت بروز حادثه و ایجاد خسارت به آن خودرو بیمه‌گر زیان وارده را جبران می‌نماید. و در نتیجه وضع بیمه‌گزار پس از حادثه به حالت قبل از حادثه در می‌آید و در رابطه با این معامله بیمه، بیمه‌گزار کسب درآمد نمی‌کند بلکه زیان او جبران می‌شود. اما اگر کسی مالک خودرو نباشد و تحت هیچ یک از عناوین حقوقی مانند اجاره، رهن، امانت و غیره نفعی در سالم بودن و حادثه ندیدن آن خودرو برای او متصور نباشد، این شخص نفع بیمه‌ای ندارد و لذا نمی‌تواند این خودرو را بیمه کند، به عبارت دیگر چنانچه این شخص مبادرت به تحصیل بیمه چنین اتومبیلی به نام خود نماید . این بیمه به علت عدم وجود نفع بیمه‌ای باطل خواهد بود . زیرا در غیر این صورت - یعنی چنانچه این معامله صحیح تلقی شود و چنین بیمه‌گزاری بتواند از بیمه‌گر وجهی بابت خسارت وارد به اتومبیل غیر دریافت کند - بیمه برای او منشاء سود خواهد شد که یک نوع قمار و شرط بندی تلقی می‌شود و عمل خلاف محسوب و مذموم می‌باشد . اما همان‌طور که اشاره کردیم شرط برخورداری از نفع بیمه‌ای، تنها مالک بودن نیست بلکه هرکس به هر عنوان در بقاء مالی ذینفع باشد نفع بیمه‌ای دارد . مثلاً شخصی خانه‌ای را اجاره

کرده و در آن سکونت می‌کند این شخص مسؤول حفظ و نگهداری آن خانه می‌باشد، زیرا چنانچه در آن خانه فی‌المثل آتش‌سوزی به وقوع بپیوندد مستأجر در مقابل موجر، ضامن می‌باشد و موظف است خانه را تعمیر کرده و به حالت اول در آورد. بنابراین مستأجر در عین مستاجرانه دارای نفع بیمه‌ای است و می‌تواند خانه مؤجر خود را بیمه کند و یک چنین عقد بیمه‌ای صحیح است و لذا چنانچه حادثه‌ای واقع شود بیمه‌گر موظف به جبران خسارت خواهد بود. اما این که در صورت تحقق چنین امری خسارت باید به موجر پرداخت شود یا مستأجر و آیا مستأجر شخصاً موظف به تعمیر بنا می‌باشد یا نه و در حالات مختلف که خسارت ممکن است کلی باشد یا جزئی و مسائل دیگر که احتمالاً مطرح می‌گردد همه از نکاتی است که در رابطه با اعمال حق برخورداری از نفع بیمه‌ای قابل بحث بوده و در این مقاله سعی خواهد شد این نکات نیز مورد بررسی قرار گیرد. و اما علاوه بر مستأجر که گفتیم نسبت به عین مستاجرانه دارای نفع بیمه‌ای است افراد دیگری را نیز می‌توان ذکر کرد که دارای نفع بیمه‌ای می‌باشند زیرا در مورد آنها نیز علاقه ملکیت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و یا به عنوان مسؤولیت حفظ و نگهداری مال متصور می‌باشد و چنانچه بخواهیم از کلیه افرادی که تحت عناوین مختلف در بقاء مال ذینفع بوده و دارای نفع بیمه‌ای می‌باشند نام ببریم موارد زیر قابل ذکر است.

اشخاص دارای نفع بیمه‌ای

۱ - مالک

بدیهی است هرکس که مالک مالی باشد بیش از هر شخص دیگر از نفع بیمه‌ای

در حال حاضر بیشتر موارد رهنی که درخواست بیمه آنها می‌شود، اموالی است که افراد به منظور اخذ وام نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دیگر به وثیقه می‌گذارند

برخوردار می‌باشد و می‌تواند مال خود را بیمه کند. یک شخص ممکن است مالک کل و یا جزء مالی باشد. در صورتی که شخص مالک جزء یک مال باشد تنها می‌تواند قسمت متعلق به خود را بیمه نماید و چنانچه آن مال به صورت مشاع باشد در صورتی که کل مال توسط آن شخص بیمه شود این بیمه نسبت به سهم مالکان دیگر حالت نمایندگی خواهد داشت و این موضوع باید در بیمه‌نامه قید گردد که بیمه‌گزار اصالتاً نسبت به سهم خود و وکالتاً نسبت به سهم شرکای دیگر مبادرت به تحصیل بیمه نموده است. حال چنانچه شخصی فی‌المثل مالک ۵۰٪ ساختمانی باشد و همان ۵۰٪ خود را بیمه کند، در این صورت با توجه به اینکه ۵۰٪ ملک بیمه نشده، خسارت طبق قاعد نسبی محاسبه و پرداخت می‌شود. یعنی ۵۰٪ خسارت وارد به بنا به عهده بیمه‌گر خواهد بود، آن‌هم در صورتی که ارزش روز بنا از دو برابر مبلغ بیمه شده بیشتر نباشد زیرا فرض این است که بیمه‌گزار ۵۰٪ ارزش واقعی اعیانی بنا را بیمه کرده است.

۲ - موجر و مستأجر

در عقد اجاره مستأجر مالک منافع عین مستاجرانه می‌شود، بنابراین موجر کماکان مالک مورد اجاره بوده و نفع بیمه‌ای دارد و می‌تواند مالی را که به اجاره واگذار کرده بیمه کند. ضمن این که مستأجر نیز که ضامن حفظ و نگهداری عین مستاجرانه

می‌باشد از نفع بیمه‌ای برخوردار است و حق دارد ملک موجر خود را بیمه کند. منتهی در اینجا این سوال همواره مطرح است که در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت آیا مستأجر حق دارد خسارت وارده را از بیمه‌گر دریافت نماید و یا اینکه خسارت باید به مالک پرداخت شود. قانون بیمه ما می‌گوید: «هر کس بیمه می‌دهد بیمه متعلق به خود اوست مگر اینکه در بیمه‌نامه تصریح شده باشد که مربوط به دیگری است...»

با توجه به صراحت قانون به نظر نمی‌رسد که چنانچه مستأجر یک ساختمان مسکونی، آن ساختمان را در مقابل خطرانی مانند آتش‌سوزی و انفجار و غیره بیمه کرده و در بیمه‌نامه نیز شرط خاصی - مبنی بر اینکه در صورت وقوع حادثه خسارت به مالک یا شخص دیگری پرداخت شود - قید نشده باشد، پرداخت خسارت به مستأجر منع قانونی داشته باشد. البته ممکن است در چنین حالتی مالک در صورت اطلاع از حادثه و به سبب اختلافی که ممکن است احیاناً بین او و مستاجر وجود داشته باشد وی با طرح دعوی در مراجع قضایی خواستار دریافت خسارت از بیمه‌گر شود که بدیهی است در این صورت حکم قضایی رافع اختلاف بوده و دادگاه گیرنده وجه خسارت را مشخص خواهد کرد.

۳ - رهن و مرتهن

هرگاه مالی به صورت رهن (به عنوان وثیقه) در اختیار داین قرار گیرد هم رهن و هم مرتهن دارای نفع بیمه‌ای بوده و می‌توانند آن مال را بیمه کنند. منتهی مرتهن تا میزان مبلغی که آن مال به عنوان وثیقه در اختیار او قرار گرفته می‌تواند بیمه کند. نسبت به مازاد بر مبلغ وثیقه نفع بیمه‌ای ندارد. لکن رهن می‌تواند کل مال

مرهون را بیمه کند منتهی در چنین حالتی (بیمه توسط راهن) اگر در نتیجه حادثه تحت پوشش بیمه، کل آن مال تلف شود بیمه‌گذار (راهن) حق ندارد کل خسارت را از بیمه‌گر دریافت کند زیرا در این صورت حق مرتهن تضییع خواهد شد. در حالی که می‌دانیم حق رهن جزء حقوق ممتازه تلقی می‌شود و اصولاً مرتهن برای استیفاء طلب خود از قیمت رهن نسبت به هر طلبکار دیگری رجحان دارد (ماده ۷۸۰ قانون مدنی). بنابراین بیمه‌گر موظف است از خسارت در تعهد خود معادل مبلغ وثیقه را به مرتهن پرداخت نماید و مازاد بر آن را (اگر خسارت از مبلغ رهن بیشتر باشد) به راهن بپردازد. توضیح این‌که ماده ۱۹ شرایط عمومی بیمه‌نامه‌های آتش‌سوزی در رابطه با حقوق مرتهن نیز ناظر به این امر است. طبق این ماده « بیمه‌گر مکلف است حقوق قانونی مرتهن را در مورد اموال بیمه شده اعم از منقول و غیرمنقول تا حدود حداکثر تعهد خود در پرداخت خسارت رعایت نماید. حقوق مرتهن نسبت به اموال بیمه

عدم مسؤولیت، نفع بیمه‌ای متصرف مال را نفی نمی‌کند، خاصه در عقد عاریه که به موجب آن عاریه گیرنده (مستعیر) حق دارد از عین مال عاریه دهنده (معیر) مجاناً منتفع شود

شده مزبور باید به اطلاع بیمه‌گر رسیده باشد.»

در حال حاضر بیشتر موارد رهنی که درخواست بیمه آنها می‌شود، اموالی است که افراد به منظور اخذ وام نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دیگر به وثیقه می‌گذارند و این افراد طبق درخواست بانک و یا مؤسسه اعتباری مربوط، موظف به بیمه مال مورد وثیقه می‌شوند و از آنجا که بانک و مؤسسه اعتباری در مقام مرتهن حق دارد برای مال مرهون تا میزان وام پرداختی درخواست بیمه کند، چنانچه بقیه مال توسط راهن بیمه نشود این احتمال وجود دارد که در صورت وقوع حادثه و اعمال قاعده نسبی جهت محاسبه خسارت مورد تعهد بیمه‌گر،

مرتهن موفق نشود به میزان طلب خود از طریق بیمه استیفاءی حق نماید.

در بیمه‌های باربری وارداتی که کالا از طریق گشایش اعتبار در بانک خریداری و حمل می‌شود نیز موضوع رهن مطرح است. در واقع بانک اعطاکننده اعتبار به صاحب کالا، به عنوان مرتهن تلقی می‌شود، زیرا اسناد خرید و حمل کالا مستقیماً در اختیار بانک قرار می‌گیرد و به عنوان وثیقه نگهداری می‌گردد و تا زمانی که صاحب کالا بدهی خود را به بانک پرداخت نکند و اسناد را در اختیار نگیرد نمی‌تواند کالای خود را از گمرک ترخیص کرده و تحویل بگیرد. بنابراین چون این احتمال وجود دارد که در صورت وقوع حادثه در جریان حمل و از بین رفتن محموله، صاحب کالا اقدامی در جهت تصفیه حساب خود با بانک به عمل نیاورد، بانک به عنوان شخصی که دارای نفع بیمه‌ای می‌باشد، می‌تواند کالا را بیمه نماید، منتهی در عمل بانک از صاحب کالا درخواست می‌کند که او کالا را به نفع بانک بیمه نماید، البته در اینجا باید اضافه کنیم



چون بیمه‌نامه کلاً به نفع بانک صادر می‌شود و مبلغ بیمه شده نیز برابر با ارزش کالا به اضافه کرایه حمل و حتی چند درصد اضافه در نظر گرفته می‌شود حقوق بانک در مقام مرتهن کاملاً حفظ شده و موضوع اعمال قاعده نسبی به علت کم بیمه کردن مطرح نمی‌باشد.

۴ - امانت‌دار

کسی که مالی را به عنوان امانت (ودیعه) در اختیار می‌گیرد نسبت به بقاء آن مال ذینفع می‌باشد و لذا می‌تواند آن را بیمه کند. در اینجا اضافه می‌کنیم که اصولاً امانت‌دار (امین) ضامن تلف یا نقصان مالی که به او سپرده شده نمی‌باشد مگر در صورت تعدی یا تفریط (ماده ۶۱۴ قانون مدنی). همین حکم در مورد مستعیر در عقد عاریه نیز جاری است. بنابراین چنانچه مالی به صورت امانت و یا به عنوان عاریه در اختیار شخص باشد و آن مال در نتیجه حادثه‌ای که هیچگونه ارتباطی به عمل امانت دار و یا مستعیر نداشته است تلف شود، توانی در بین نخواهد بود. لکن این عدم مسؤولیت، نفع بیمه‌ای متصرف مال را نفی نمی‌کند، خاصه در عقد عاریه که به موجب آن عاریه گیرنده (مستعیر) حق دارد از عین مال عاریه‌دهنده (معیر) مجاناً منتفع شود. بنابراین کسی که از منافع مالی مجاناً استفاده می‌کند بالطبع در بقاء آن ذینفع بوده و می‌تواند آن را بیمه کند.

۵ - مدیر تصفیه، وصی، قیم، متولی

هر یک از افراد فوق که به اقتضای وظیفه و مسؤولیتی که به عهده آنها محول می‌شود عهده‌دار حفظ و نگهداری و اداره امور اموالی که در اختیارشان قرار می‌گیرد می‌باشند در بقاء آن اموال ذینفع بوده و

چنانچه حادثه‌ای واقع شود که متصدی حمل و نقل در تحقق آن مسؤولیتی نداشته باشد چنانچه آن حادثه تحت پوشش بیمه باشد خسارت به صاحب کالا پرداخت می‌گردد نه متصدی حمل و نقل، زیرا بیمه نباید برای بیمه‌گزار منشاء سود واقع شود

به مالک پرداخت شود و یا این که بیمه‌گزار حق دارد خسارت را دریافت و صرف تعویض و یا تعمیر مورد بیمه نماید و بیمه نباید برای بیمه‌گزار منشاء سود قرار گیرد، بحث دیگری است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد. و اینک شرح مختصری در مورد هر یک از افراد مذکور در این بند:

مدیر تصفیه

مدیر تصفیه شخصی است که در صورت ورشکستگی یک بازرگان عهده‌دار رسیدگی به دارایی و امور مالی داد و ستدهای او می‌شود و سرانجام بخشی از مطالبات بستانکاران وی را از محل دارایی او می‌پردازد.

زیرا همان‌طور که می‌دانیم تاجر ورشکسته از دخل و تصرف در اموال خود محروم و تصفیه دارایی او به مدیر تصفیه واگذار می‌شود. بنابراین مدیر تصفیه حق دارد به منظور حفظ دارایی تاجر ورشکسته آن قسمت از اموال او را که نیاز به بیمه دارد بیمه نماید.

وصی

وصی کسی است که در وصیت عهدی ولی بر مورد ثلث یا بر صغیر قرار داده می‌شود (ماده ۸۲۶ ق م).

در ماده ۸۵۸ قانون مدنی نیز آمده است که وصی نسبت به اموالی که بر حسب وصیت در ید او می‌باشد حکم امین را دارد و ضامن نمی‌شود مگر در صورت تعدی یا تفریط. به این ترتیب همان‌طور که در مورد امانت دار نسبت به اموالی که در اختیار او قرار می‌گیرد نفع بیمه‌ای وجود دارد در مورد وصی هم نفع بیمه‌ای مطرح می‌باشد، زیرا وصی نیز در بقاء مالی که اداره امور آن مال بنا بر وصیت به او سپرده می‌شود ذینفع

می‌باشد.

قیم

طبق ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی برای اشخاص ذیل نصب قیم می‌شود:

- ۱- برای صغاری که ولی خاص ندارند.
- ۲- برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.
- ۳- برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها نباشد. وظیفه قیم عبارت است از مواظبت از شخص مولی علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی او.

بنابراین قیم هم مانند افراد مذکور در فوق، می‌تواند جهت حفظ اموال مولی علیه خود در مقابل حوادثی که آن اموال را تهدید می‌کند آنها را بیمه نماید. قیم نیز نسبت به آن اموال دارای نفع بیمه‌ای است.

متولی

متولی شخصی است که طبق قراردادی که با او منعقد می‌شود اداره امور مکانی را از قبیل موقوفات و غیره به عهده می‌گیرد و بدیهی است چنین شخصی نسبت به بقاء اموال موجود در آن مکان اعم از منقول یا غیر منقول ذینفع می‌باشد و می‌تواند آن اموال را بیمه کند.

۶- متصدی حمل و نقل

متصدی حمل و نقل اعم از دریائی، زمینی و هوایی نسبت به کالایی که در اختیار او گذارده می‌شود که آن را از جایی به جای دیگر حمل نماید در حکم امین است و حتی می‌توان گفت مسؤولیتی بیش از مسؤولیت امین که در عقد ودیعه مطرح می‌باشد بر دوش او نهاده شده است. زیرا

در حقوق کشورهای اروپایی اموال زن و

شوهر به نسبت مساوی متعلق به هر دو می‌باشد، چه اموالی که قبل از ازدواج متعلق به هر یک از آنها بوده و یا بعد از ازدواج به وسیله شوهر یا زن تحصیل شود بنابراین زن و شوهر نسبت به بقاء اموال یکدیگر ذینفع بوده و هر یک می‌تواند مال دیگری را بیمه کند

طبق ماده ۳۸۶ قانون تجارت: «اگر مال‌التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسؤول قیمت آن خواهد بود، مگر این‌که ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال‌التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده‌اند...» در حالیکه در مورد امین، قانون صراحت دارد که امین ضامن تلف یا نقصان مالی که به او سپرده شده است نمی‌باشد مگر در صورت تعدی یا تفریط.

به هر حال این ماده نیز گویای آن است که متصدی حمل و نقل نسبت به بقاء کالایی که جهت حمل و نقل در اختیار او قرار می‌گیرد ذینفع می‌باشد بنابراین می‌تواند آن کالا را بیمه کند. یک‌چنین بیمه‌ای متضمن دو نوع پوشش می‌باشد یکی در قالب بیمه شیئی و دیگری بیمه مسؤولیت. در نوع اول ذینفع بیمه صاحب محموله خواهد بود و چنانچه حادثه‌ای واقع شود که متصدی حمل و نقل در تحقق آن مسؤولیتی نداشته باشد چنانچه آن حادثه تحت پوشش بیمه باشد خسارت به صاحب کالا پرداخت می‌گردد نه متصدی حمل و نقل، زیرا بیمه نباید برای بیمه‌گزار منشاء سود واقع شود. پوشش دوم مربوط به مسؤولیت متصدی حمل و نقل است. زیرا با بیمه کردن محموله توسط متصدی حمل

و نقل و پرداخت خسارت توسط بیمه‌گر به صاحب کالا، متصدی حمل و نقل بری الذمه خواهد شد.

متصدی حمل و نقل در رابطه با کرایه حمل نیز دارای نفع بیمه‌ای می‌باشد منتهی این نفع بیمه‌ای بیشتر ناظر به زمانی است که کرایه در مقصد و پس از تحویل محموله به مرسل الیه دریافت شود، در نتیجه چنانچه متصدی حمل و نقل کرایه را بیمه کند و به علت وقوع حادثه و از بین رفتن محموله، کرایه آن به اصطلاح سوخت شده و قابل وصول نباشد توسط بیمه‌گر جبران خواهد شد.

۷- نماینده و عامل فروش

افرادی که به عنوان نماینده و عامل فروش فعالیت می‌کنند نیز از جمله افرادی محسوب می‌شوند که در بقاء اموالی که در اختیارشان قرار دارد ذینفع می‌باشند. بنابراین، این افراد نیز دارای نفع بیمه‌ای بوده و می‌توانند اموال تحت تصرفشان را بیمه کنند. در واقع می‌توان گفت که این افراد نیز در حکم امین به شمار می‌روند و یک‌چنین بیمه‌ای نیز همانند مورد قبلی متضمن دو نوع پوشش بیمه شیئی و بیمه مسؤولیت می‌باشد.

۸- زن و شوهر

در حقوق کشورهای اروپایی اموال زن و شوهر به نسبت مساوی متعلق به هر دو می‌باشد، چه اموالی که قبل از ازدواج متعلق به هر یک از آنها بوده و یا بعد از ازدواج به وسیله شوهر یا زن تحصیل شود بنابراین زن و شوهر نسبت به بقاء اموال یکدیگر ذینفع بوده و هر یک می‌تواند مال دیگری را بیمه کند.

ادامه دارد

